

اصولاً تشکیل سازمانهای مختلف بین المللی و منطقه ای از پدیده های قرن بیستم می باشد. پس از جنگ جهانی دوم غالب کشورها به فکر افتادند تا از طریق ایجاد سازمانها و تشکیلات مناسب بتوانند پاره ای از مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود را حل کنند. بنابراین از این تاریخ به بعد چنین سازمانهایی در پوشش اسامی گوناگون و شرح وظایف منطقه ای و یا بین المللی متشکل شدند، بنحوی که امروزه کشوری در جهان وجود ندارد که در چندین سازمان عضویت نداشته و مسایل سیاسی و اقتصادی خود را از طریق آنها با سیاستهای بین المللی هماهنگ نمایند.

پیشرفت علم و صنعت در تعدادی از کشورهای مختلف جهان و عقب ماندگی تعدادی دیگر، لزوم همکاری و مشارکت همگان را به منظور برخورداری از امکانات رفاهی و ثروت جهان مطرح ساخته و علاوه بر آن با بهبود ارتباطات علمی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بین کشورها، ایجاد سازمانهایی که در مجموع بتوانند به این ارتباطات هماهنگی داده و خواسته ها و انتظارات ملل مختلف از یکدیگر را مشخص نمایند الزامی کرد، تا در قالب این سازمانها کوششهای لازم بمنظور ارتقاء سطح زندگی کشورهای فقیر صورت پذیرد.

وظایفی که برای این سازمانها تعیین شد غالباً در زمینه افزایش رفاه جوامع بشری و کنار زدن بار مشکلات عقب ماندگی و یا برای حل مشکلات احتمالی آتی آنها بوده است، در حالی که عمده این سازمانها اهداف استعماری و استثمار را زیر بنای خود ساخته اند. لذا بر آن شدیم تا تعدادی از این سازمانهای بین المللی را معرفی کرده، بدین ترتیب به بررسی مختصر تاریخچه و وظایف و عملکرد آنان می پردازیم.

سازمان تجارت بین المللی

در خلال جنگ جهانی دوم و بعد از آن، نحوه تفکر آمریکاییان در باره روابطشان با سایر کشورها تغییر کرد و اینان به کنار گذاردن انزواطلبی و افزایش روابط با سایر کشورها تمایل پیدا کردند. از نظر اقتصادی نیز افزایش تولید و افزایش قدرت اقتصادی آمریکا، دسترسی به بازارهای سایر کشورها و افزایش روابط اقتصادی با سایر کشورهای جهان را ضروری می ساخت. به این

منظور آمریکاییان با مقامات انگلیسی به منظور طرح نظامی که در آن محدودیتهای تجاری و مالی کاهش یافته و مبادله کالا در مقیاس جهانی تسهیل گردید، تماس حاصل کردند. حاصل مذاکرات بین هیئتهای نمایندگی آمریکا و انگلیس، به علت قدرت فوق العاده آمریکا و وابستگی مالی انگلستان به این کشور، پذیرش طرح نماینده آمریکا با اندکی اصلاحات بود که نهایتاً به ایجاد صندوق بین المللی پول و بانک توسعه و ترمیم انجامید (که انشاء... در

شماره های بعد مفصلاً توضیح داده می شود). هر دو طرح ارائه شده توسط آمریکا و انگلیس، اهمیت فوق العاده ای برای تجارت آزاد قائل بود. هر دو کشور تشکیل یک سازمان بین المللی را برای تفسیر موافقتنامه های بین المللی و حل اختلافات بین کشورها را ضروری می دانستند. نمایندگان آمریکا و بریتانیا در مورد ضرورت وجود یک توافق چندجانبه در باره سیاست تجاری و وجود یک سازمان بین المللی برای تفسیر این توافق، بررسی شکایات و حل اختلافات اتفاق نظر داشتند. به

آشنایی با مفاهیم اقتصادی (قسمت هجدهم)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

آشنایی با

سازمانهای تجاری

بین المللی

عقیده اینان، مهمترین مسایلی که باید در این موافقتنامه گنجانیده می‌شد، عبارت بود از:

- ۱- رابطه بین اشتغال و سیاست بازرگانی.
- ۲- حذف محدودیتهای کمی برای تجارت بین المللی.
- ۳- کاهش تعرفه های گمرکی، ارجحیتها و امتیازات.

در مورد حذف محدودیتهای کمی، هر دو گروه نمایندگان، حتی در مواردی که هدف حمایت از صنایع جوان و کشاورزی بود، توافق داشتند. به عقیده اینان صرفاً استفاده از محدودیتهای کمی برای ایجاد تعادل در تراز پرداختها و اعمال آن، تنها با تایید سازمان بین المللی که امکان ایجاد آن می‌رفت، قابل توجیه بود. در نوامبر سال ۱۹۴۵ دو گروه نمایندگان آمریکا و بریتانیا نشریه ای بنام «پیشنهاد در باره تجارت و اشتغال جهت بررسی در یک کنفرانس بین المللی» انتشار دادند. این نشریه شامل دو بخش بود. یکی از بخشهای آن، سازمان بین المللی تجارت را مورد بحث قرار می‌داد که یکی از اهداف سازمان را دست یافتن به یک توافق جهت همکاری کشورها به منظور افزایش سطح اشتغال و حفظ تقاضا و ایجاد نظم در تجارت بین المللی مطرح می‌کرد. آخرین بار در این باره، کنفرانسی در سال ۱۹۴۷ و سپس در سال ۱۹۴۸ در هاوانا تشکیل شد. اهداف این کنفرانس ایجاد یک سازمان بازرگانی بین المللی به منظور رفع محدودیتهای کمی و تبعیضات، حذف امتیازات، کاهش حقوق گمرکی و برقراری سیستم مبادلات آزاد بود که پیش نویسی در این خصوص تهیه شد که به «منشور هاوانا» معروف است. اما این طرح بر روی کاغذ باقی ماند و به علت مخالفت کنگره آمریکا با آن، هیچگاه جامه عمل نپوشید، چرا که نظر آمریکا بر این بود که فقط تا ۳۱ دسامبر ۱۹۴۹ تمامی اعضای سازمان تجارت بین المللی می‌توانند محدودیتهای کمی برای مقاصد تراز پرداختها را، به شرط مشورت با سایر اعضای که تحت تأثیر این محدودیتها قرار می‌گیرند، حفظ کنند و در پایان این مهلت، تمامی محدودیتها حذف گردد، به هر حال با عدم اجرای منشور هاوانا، به جای سازمان بین المللی تجارت، «گات» یا «توافق عمومی در باره تعرفه و تجارت» بوجود آمد که اولین کنفرانس آن در سال ۱۹۴۷ در ژنو تشکیل گردید.

گات، توافق عمومی در باره تعرفه و تجارت:
گات عبارت از یک معاهده بازرگانی چند جانبه است، که شامل حقوق و تعهدات متقابل و مسئولیت آور بوده و بر طبق آنها امتیازات تجاری اعطا شده به هر عضو شامل کلیه اعضای دیگر نیز می‌گردد. اهداف اصلی گات هدایت روابط بازرگانی و اقتصادی برای بهبود سطح زندگی، اشتغال کامل، افزایش مداوم درآمد واقعی، استفاده درست و کامل از منابع تولید، گسترش تولید و مبادله کالاها و بالاخره توسعه فراگیر اقتصاد کشورهای عضو می‌باشد، که این هدف را از طریق تلاش برای کاهش دادن حقوق گمرکی، محدودیتهای تجاری و هر نوع تبعیض در تجارت بین المللی دنبال می‌نماید.

با توجه به مطالب عنوان شده فوق، اهداف عمده گات را می‌توان ایجاد و حفظ رقابت اقتصادی و ضمانت نوعی مکانیزم رقابت بین المللی دانست. بر اساس اهداف یاد شده، رفتار گات بر اصول زیر استوار می‌باشد:

الف) گات در درجه اول اصل رفتار غیر تبعیض آمیز یا ملل کامله الوداد را پذیرفت، تا از بروز موجی از اقدامات تلافی جویانه انتخابی و اقدامات متقابلی که در اثر بازرگانی تبعیض آمیز شیوع می‌یابد، جلوگیری نماید. این بدان معنی است که بطور مثال کفشهای کانادایی، کفشهای برزیلی و یا کفشهای تولید هریک از کشورهای امضا کننده قرارداد فوق زمانی که مثلاً به کشور فرانسه وارد می‌شوند، با تعرفه یکسانی بایستی روبرو گردند. زیرا که مقررات ملل کامله الوداد نمی‌گذارد کشورهای وارد کننده تعرفه ها را به نحو انتخابی بکار ببرند.

ب) حمایت از صنایع داخلی منحصرأ از طریق تعرفه های گمرکی و یا سایر ضوابط بازرگانی به عمل خواهد آمد و استفاده از سهمیه های وارداتی یا هرگونه اقدام دیگری از قبیل دامپسینگ، اعطای جوایز صادراتی، صدور پروانه های صادراتی و وارداتی که بطور غیر مستقیم باعث محدودیت واردات شود، به عنوان وسیله ای جهت حمایت از صنایع داخلی ممنوع است، اما در موارد بسیار استثنایی بویژه برای متعادل کردن توازن پرداختهای کشور، تثبیت قیمت محصولات کشاورزی، جلوگیری از کاهش ذخایر ارزی و یا ایجاد اشتغال و رفع بیکاری، از طریق ارائه دلایل

کافی به دبیرخانه گات می‌توان در میزان واردات، محدودیت قابل گردید، بشرط آنکه این محدودیت نسبت به کلیه کشورهای هم پیمان اثرات مشابه و یکسانی داشته باشد.

ج) کاهش تعرفه های گمرکی و سایر موانع بازرگانی و تشکیلاتی از طریق مذاکرات مداوم، کاهش تعرفه های گمرکی به عنوان یکی از ابزارهای اصلی نیل به اهداف کلی گات بشمار می‌آید و این سازمان از بدو پیدایش خود طی هشت دوره مذاکراتی، میانگین تعرفه های وارداتی کشورهای صنعتی را از ۴۰ درصد به ۴ تا ۸ درصد تقلیل داده است.

گات و عملکرد آن:

موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت، همانگونه که بیان گردید، یک قرارداد عمومی برای کاهش تعرفه های گمرکی و رفع محدودیتهای بازرگانی و از میان بردن موانع آزادی تجارت می‌باشد، که از لحاظ کشورهای امضا کننده و از نظر وسعت مقررات و همچنین از جنبه شمول بر مبادلات بازرگانی، جامع ترین پیمانی است که تاکنون در این زمینه بین دولتهای جهان منعقد شده است. اما با آنکه سالها از توافق اجرای این موافقتنامه می‌گذرد، اعضای آن هنوز نتوانسته اند رابطه کاملاً آزادی را در مورد بازرگانی خود بوجود آورند و بسیاری از آنها به علت اتخاذ سیاستهای اقتصادی و تجاری مناسب با تغییر و تحولات جامعه خود، ناچار به رعایت اصول حمایت شده اند.

هم اکنون در گات عمل متقابل و تلافی جویانه از طریق اعمال اقدامات حمایتی توسط خسارت دیدگان در مبادلات، از اقدامات عادی اعضای آن می‌باشد، در حالی که بر طبق اصول گات، کشورها بایستی موقعیت تجاری خود را در مجموع و در رابطه با تمامی کشورهای عضو تنظیم می‌نمودند. اقدامات تبعیض آمیز در بین کشورهای عضو گات از دهه هفتاد به بعد شدیداً روندی افزایشی داشته و تکیه خود را از تعرفه های گمرکی به تکنیکهایی بی نظیر تعیین سهمیه، خودداری داوطلبانه از صادرات، ترتیبات منظم فروش، مالیاتهای ضد فروش ارزان، استانداردهای بهداشتی و طرز عمل بوروکراتیک گمرکی، داده است. بنابراین اجرای تعهدات منطبق با تصمیمات گات از طرف کشورهای عضو در حال

کاهش بوده و مبادلات تبعیض آمیز در سالهای اخیر رشد داشته و این تبعیضها بویژه در مورد صادرات کشورهای در حال توسعه رونق دارد، و در هر زمان که کشوری احتمال دهد منافع تولید کنندگانش در نتیجه واردات به مخاطره می افتد یا ممکن است به مخاطره افتد، می تواند واردات خود را محدود کند. بدین جهت همواره بهانه در خطر قرار گرفتن تولید کنندگان داخلی برای محدود ساختن واردات وجود دارد و کشورهای توسعه یافته می توانند با توسل به آن از تعهدات خود سرباز زنند.

آنکتاد - کنفرانس سازمان ملل برای تجارت و توسعه

از آنجایی که گات نتوانست به خاطر نفوذ کشورهای توسعه یافته و نداشتن قدرت اجرایی و به خاطر ماهیت قوانین و مقرراتش مشکلات کشورهای توسعه یافته را در زمینه تجارت خارجی از میان بردارد و به علت اینکه به رغم کوششهای گات، کشورهای توسعه یافته همواره از وجود مشکلات در روابط تجاریشان رنج می برند، این کشورها پس از قطع امید از گات و درک این مسئله که گات نمی تواند سیستم بازرگانی را بطور مطلوب تغییر دهد، و به خاطر این باور کشورهای توسعه یافته که گات توجه خود را بیشتر به منافع کشورهای توسعه یافته معطوف می دارد و به علت ضعفی که گات در برابر سیاستهای حمایتی کشورهای توسعه یافته از خود نشان داده است، این کشورها خواستار تشکیل کنفرانسی به نام کنفرانس سازمان ملل متحد برای تجارت و توسعه (آنکتاد) شدند تا محلی برای ارائه خواسته هایشان داشته باشند. «آنکتاد» دربرگیرنده تمام کشورهای عضو سازمان ملل متحد است و هدف اصلی آن توزیع مطلوبتر درآمد بین المللی از طریق مکانیزم تجارت بین المللی و بهبود بخشیدن به وضعیت درآمد کشورهای توسعه یافته از طریق افزایش نرخ رشد این کشورها، با ایجاد شرایط بهتر برای مبادله کالاهای آنها می باشد. اولین کنفرانس آنکتاد در سال ۱۹۶۴ تشکیل گردید و مسئله مورد بحث، دائمی ساختن این نهاد و هدفهای آن بود. دومین کنفرانس آنکتاد در سال ۱۹۶۸ در دهلی نو برگزار گردید که در آن کشورهای توسعه یافته در اصل با تجدید نظر

پیشنهادی در سیستم تجارت بین المللی موافقت کردند، اما روش کار مشخص نگردید. تنها پیشرفت مشخصی که در این کنفرانس حاصل گردید، پذیرش این مسئله بود که کشورهای توسعه یافته یک سیستم ارجحیت و امتیازات یک جانبه را برای واردات کالاهای ساخته شده و نیمه ساخته از کشورهای توسعه یافته بوجود آورند. نهایتاً آنچه در سال ۱۹۷۱ مورد توافق قرار گرفت این بود که امتیازات بیشتری برای کشورهای توسعه یافته در نظر گرفته شود، اما به شکلی که کالاهای خاصی را شامل نگردد. این توافق که سیستم کلی ترجیحات خوانده می شود، بیشتر با کالاهای ساخته شده کشورهای توسعه یافته ارتباط پیدا می کند تا به این کالاهای، برای دستیابی به بازارهای کشورهای توسعه یافته امتیازاتی داده شود. اما برای این منظور کشورهای صنعتی غرب، هر یک طرح خاصی را ارائه کرده اند. این طرحها از نظر روش اجرا و دربرگیری و شمول کالاهای در سیستم، با هم تفاوت دارند. سومین کنفرانس آنکتاد نیز در سال ۱۹۷۲ در ژنو تشکیل گردید. دبیرخانه آنکتاد تحت نظر سازمان ملل متحد اداره می شود و در ژنو قرار دارد. در فاصله کنفرانسهای عمومی امور، کارهای آنکتاد بوسیله شورای تجارت و توسعه که دارای ۵۵ عضو می باشد انجام می گیرد که بیشتر اعضای آن را نمایندگان کشورهای توسعه یافته تشکیل می دهند.

این شورا دارای چهار کمیته اصلی می باشد:

- ۱ - کمیته کالا، ۲ - کمیته کالاهای ساخته شده، ۳ - کمیته حمل و نقل، ۴ - کمیته مبادلات نامریی و امور مالی مربوط به تجارت.

کمیته کالا برای ثببات و افزایش درآمد صادراتی کشورهای توسعه یافته، بویژه کشورهایی که درآمد صادراتی شان از صدور مواد اولیه و مواد خام ناشی می گردد، کوشش و فعالیت می کند. هدف کمیته کالاهای ساخته شده، کسب امتیازات گمرکی برای کالاهای ساخته شده کشورهای توسعه یافته می باشد. کمیته حمل و نقل و کمیته مبادلات نامریی و مسایل مالی که آنکتاد آنها را مسایل تجاری به شمار نمی آورد و یا مسایلی که بوسیله گات مورد توجه قرار نمی گیرند، مانند: حمل و نقل و بیمه سرو کار دارد. متأسفانه آنکتاد تا به حال موفق نشده که قدرت فروشندهگان مواد خام و اولیه که عمدتاً

کشورهای توسعه یافته هستند، افزایش دهد و در ضمن اتفاق نظر در آن دارند که کشورهای در حال توسعه چون توان پر کردن شکاف بین صادرات و واردات را با ارزهای خارجی و ذخایر طلای خود ندارند، لذا باید این تفاوت با واردات سرمایه از کشورهای توسعه یافته تأمین شوند. علاوه بر این، پرداخت اصل و فرع وامهای روزافزون نیز باری فزاینده بر دوش کشورهای توسعه یافته می باشد که در اینجا نیز آنکتاد معتقد است که کلیه حل مشکلات تجاری کشورهای توسعه یافته در دست کشورهای توسعه یافته است و اینان باید تسهیلاتی در بسط و توسعه بازار مواد خام و طلاهای ساخته شده صادره بوسیله کشورهای توسعه یافته از طریق دادن امتیازات یک جانبه گسترش یابد، البته ذکر این نکته ضروری است که کشورهای توسعه یافته بدین جهت که سیستم فعلی کاملاً به نفع آنها است به هیچوجه حاضر نیستند که حداقل امتیازی به کشورهای در حال توسعه بدهند. لذا در انتظار کمک این کشورها هیچ مشکلی را حل نکرده و کشورهای در حال توسعه می بایست با اتفاق نظر سعی در اصلاح سیستم تجارت بین المللی داشته باشند و همچنین با بررسی دقیق شرایط داخلی خود و سیاستگذاریهای اقتصادی صحیح تا حدود زیادی مشکلاتشان را مرتفع نمایند. مسئله عمده تر نیز آن است که در نظام تجارت بین المللی دو قطب کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه قرار دارند که اولی از قدرت بسیار و دومی از قدرت ناچیزی برخوردار است. تا زمانی که این نابرابری دو قدرت وجود دارد، کوششهای نهادهای بین المللی ثمری نخواهند داشت و مبادله بین این دو قطب به نفع قطب اول و به زیان قطب دوم خواهد بود و تا هنگامی که این وضعیت تغییر نکند، این مسئله ادامه خواهد داشت. البته تعدادی از کشورهای در حال توسعه این امر را دریافته اند و خود بدون درخواست کمک از دیگران در حل مشکلاتشان، تصمیم به انجام اقدامات یک جانبه برای جلوگیری از انتقال ثروت و منابع اقتصادی به کشورهای توسعه یافته، گرفته اند.

منابع:

«تجارت بین الملل» دکتر مهدی تقوی

«مجله اقتصادی»: نشریه وزارت امور اقتصاد و دارایی

نقش و اهمیت سواد و آموزشهای عمومی در ترویج و توسعه اقتصادی

۵ - طرح دگرگونی روش سوادآموزی و مواد خواندنی آنها

همانطور که متذکر شدیم بیسواد یکی از مشکلات ترویج و آموزش رسمی در روستاها است که متأسفانه بر تعداد افراد بیسواد در چهارده گذشته نیز افزوده شده است. زیرا هر ساله کلیه افراد لازم‌التعلیم تحت تعلیم قرار نمی‌گیرند و در نتیجه با پیوستن این افراد به جمعیت بیسواد کوششهای سوادآموزی نیز از این راه خنثی می‌شود، به نظر می‌رسد با توجه به مطلب فوق روش کنونی برای ریشه کنی بیسوادی بسیار کند عمل می‌نماید و تحولی را در این زمینه می‌طلبد. زیرا با روش فوق امکانات محدود سوادآموزی نمی‌تواند کلیه روستاهای پراکنده و کوچک را تحت پوشش قرار دهد مضافاً بر اینکه در روستاهایی که نهضت فعالیت دارد فعالیت آن با زمان کار و مسایل اجتماعی فرهنگی دیگر روستا تعارض پیدا می‌کند و پیشرفت را کند می‌نماید. از آنجا که برای روستایی و مسئولین ترویج امر خواندن اهمیت بیشتری از نوشتن دارد و افرادی در روستاها وجود دارند که خوب می‌توانند بخوانند، پیشنهاد می‌شود که نهضت سوادآموزی از اینگونه افراد که معمولاً مکتب‌دار بوده یا در مکتب درس خوانده‌اند استفاده نماید و نیازی نیست که حتماً از آموزشیاران دیپلمه استفاده نماید. زیرا غالب روستاها فاقد نیروهای دیپلمه می‌باشند. اگر از این افراد در سیستم آموزشی جدید که اصطلاحاً روخوانی گفته می‌شود استفاده گردد در مدت زمان کوتاهی عده بیسوادان روستایی که از خواندن هم عاجزند بسرعت کاهش خواهد یافت. حسن دیگر که بر این روش مترتب است اینکه روستاییان بیسواد رغبت بیشتری به فراگیری از خود نشان می‌دهند. زیرا شخص آموزش دهنده به سبب زندگی در روستاها و حضور مستمر در آنجا می‌تواند وقت خود را با روستاییان شائق آموزش وفق دهد و حتی شبها به تعلیم بیسوادان همت

گمارد، در صورتی که چنین امری برای آموزشیاران غیربومی میسر نیست و آنها ناگزیرند ساعات خاصی را برای آموزش انتخاب کنند که در صورت تداخل آن ساعت با ساعات کار و کوشش روستاییان و بویژه کشاورزانی که حضورشان در مزرعه امری لازم و ضروری است امر آموزش تحقق نمی‌یابد و یا استقبال چندانی از آن نمی‌شود. از جهات اقتصادی و رعایت نکات صرفه جویی و از جهات فرهنگی نیز این روش مناسبتر از روش کنونی است. مسئله دیگر که باید به آن توجه شود پیوند محتوای دروس سوادآموزان با فعالیتها و نیازهای جوامع روستایی است. اگر چنین پیوندی ایجاد شود طبیعتاً آنها را به فراگیری تشویق می‌کند. بنابراین باید به مسئله سوادآموزی با دید وسیعتر و کلی‌تر نگاه کرد، بطوری که هدف از آن صرفاً آموختن خواندن و نوشتن نباشد بلکه ایجاد تحول و دگرگونی در طرز فکر مردم و همچنین آماده کردن آنها برای ایفای نقش اجتماعی - اقتصادی را نیز مدنظر قرار دهد. پیوند مواد خواندنی با فرهنگ و روح روستایی نیز در پیشرفت سوادآموزی موثر است بنابراین از این بعد نیز به کار بردن ادبیات مناسب منطقه در مواد خواندنی، جمع آوری آداب و رسوم، داستانها و افسانه‌ها و غیره و بکارگیری آنها در تدوین متون ضروری است. این کار علاوه بر اینکه روستاییان را به گذشته فرهنگی خود متصل می‌کند، از بی‌هویتی آنها نیز می‌کاهد. البته لازم به تذکر است تعلیم بیسوادان بدون ارائه همزمان دگرگونیهای بنیادی در وضعیت اقتصادی، اجتماعی آنها امکان‌پذیر نیست. لذا باید هر کوششی در این راه با تأمین احتیاجات اولیه غذا، بهداشت، زمین، آب و نظایر آنها همراه شود زیرا همبستگی مستقیمی بین فقر و میزان سواد وجود دارد.

زیرنویس:

۱) در تهیه این مطلب از نتایج تحقیقاتی که در سطح ۷۸ واحد آموزشی (کودکستان، ابتدایی، راهنمایی، متوسطه، دانشسرای تربیت معلم) در منطقه گرجی و کرچمبوسورت گرفته است، استفاده کرده‌ایم. این منطقه دارای ۵۶ روستا و یک شهر در قالب دو دهستان و یک شهر است که در محدوده شهرستان فریدن استان اصفهان قرار دارد.

چون اعتقاد داریم که مشکلات و تنگناهای نظام آموزشی این منطقه در کل مناطق روستایی کشور عمومیت دارد و حتی در بعضی از استانهای محرومتر حادث است، با استفاده از آمار و ارقام مربوط به کل کشور، این نتایج را تعمیم داده‌ایم.

«مآخذ و منابع»

- ۱ - مقاله تحلیلی بر تجربیات و اهداف آموزش روستایی - نشریه جهاد ارگان جهاد سازندگی شماره ۹۰
- ۲ - مقاله عقب ماندگی محیط روستایی - نشریه جهاد ارگان جهاد سازندگی شماره ۶۵
- ۳ - مقاله بررسی میزان محرومیت روستاها از امکانات آموزشی و پرورش - نشریه جهاد ارگان جهاد سازندگی شماره ۶۶
- ۴ - مقاله اهمیت و نتایج سوادآموزی - نشریه جهاد ارگان جهاد سازندگی شماره ۷۸.
- ۵ - مقاله سوادآموزی اولین گام در روند توسعه - نشریه جهاد ارگان جهاد سازندگی شماره ۷۰ و ۷۱.
- ۶ - مقاله ویژگیهای آموزش در روستا - نشریه جهاد ارگان جهاد سازندگی شماره ۹۲.
- ۷ - مقاله ترویج یک امر فرهنگی، اجتماعی است - نشریه جهاد ارگان جهاد سازندگی شماره ۹۶.
- ۸ - مقاله فاصله زیاد سواد و آموزش بین شهر و روستا - روزنامه کیهان ۲ و ۳ آذر ۶۶.
- ۹ - مقاله سوادآموزی و بیسوادی در نتایج سرشماری - روزنامه کیهان ۱۱ آذر ۶۶.
- ۱۰ - مقاله افت کارایی نیروهای جوان بخاطر بیسوادی - روزنامه کیهان ۲۵ مهر ۶۶.
- ۱۱ - کتاب برنامه‌ریزی آموزش و پرورش و رشد اقتصادی، اجتماعی - داور شیخاوندی.
- ۱۲ - سالنامه آماری سال ۱۳۶۴ - مرکز آمار ایران.
- ۱۳ - آموزش بزرگسالان - احمد قاسمی.
- ۱۴ - آموزش در خدمت انسان - مجید رهنما - انتشارات دانشگاه تهران سال ۱۳۵۳.
- ۱۵ - آموختن برای زیستن - گروهی از نویسندگان - انتشارات یونسکو.
- ۱۶ - سخنرانی برادر لاهیجانیان پیرامون جایگاه آموزش روستایی - نشریه جهاد شماره ۹۷.
- ۱۷ - مجموعه مقالات در رابطه با آموزش در روستا - نشریه جهاد شماره ۹۲.
- ۱۸ - روشهای سوادآموزی بزرگسالان - دکتر زهرا صباغیان.
- ۱۹ - گزیده مسایل اقتصادی، اجتماعی - نشریه شماره ۴ - صفحه ۲۲.
- ۲۰ - نگاهی به مسئله سوادآموزی - نشریه جهاد شماره ۷۹ و ۸۲.
- ۲۱ - بررسی میزان رشد جمعیت سواد و اشتغال در مناطق روستایی - نشریه جهاد - شماره ۹۸.